



حضرت زهرا عليها السلام، الگوی زن مسلمان

زهرا محمدی*

چکیده

یکی از عوامل مؤثر در تکوین شخصیت انسان، تربیت است. از بهترین شیوه‌های تربیت، شیوه عملی الگوهاست. در این شیوه، آنچه مطلوب و ارزشمند است الگوپذیری کاملاً آگاهانه، هدف‌دار و از روی معرفت و شناخت کامل است؛ یعنی هر فرد پس از تفکر، استدلال، تجزیه و تحلیل عقلی و با بصیرت کامل به تقلید از الگو می‌پردازد. این مقاله با هدف معرفی حضرت زهرا عليها السلام به عنوان بهترین الگوی زن مسلمان و با استفاده از منابع فقهی (قرآن و روایت) به بررسی توصیفی و تحلیلی علت و چرایی الگو بودن آن حضرت پرداخته است.

نتایج بررسی نشان می‌دهد حضرت زهرا عليها السلام با داشتن فضایل و ویژگی‌هایی مانند عصمت، ولایت کبری و مقام لیلۃ القدری بر تمامی زنان برتری دارد. به منظور الگوپذیری از آن حضرت باید با گفتار و کردار ایشان آشنا شد و با تحلیل و استنباط سیره عملی و علمی آن بزرگوار وظیفه خویش را در همه ابعاد زندگی سامان بخشید. عبادت، حیا، حجاب، وارستگی، خانه‌داری، همسرداری، مادری و... جلوه‌هایی از سیره آن بانوی نمونه اسلام است.

کلیدواژه: حضرت زهرا عليها السلام، الگو، زن مسلمان.

امروزه اولیاء تعلیم و تربیت اسلامی با مسائل مهم و پیچیده‌ای روبرو می‌باشند. مسئله چگونگی الگوسازی از اسوه‌های دینی، متناسب با شرایط موجود بسیار مهم است؛ زیرا عامل مؤثر در شکل‌گیری همانندسازی شخصیت با الگوهای برتر است و از طرفی، در صورت عدم الگوی مناسب در جامعه انسانی، افراد معیاری برای سنجش اعمال و رفتار خود ندارند. به هر حال جامعه اسلامی به معرفی الگوی نمونه‌ای برای افراد جامعه، خصوصاً زنان نیاز دارد؛ زیرا تربیت فرزندان جامعه در دامن مادران است.

تبع در پیشینه موضوع مقاله حاضر، نشان می‌دهد نوشته‌های فراوانی به نگارش درآمده و اندیشمندان مختلفی به معرفی ابعاد فکری و رفتاری حضرت زهرا علیها السلام که انسانی کامل و الگویی مناسب است، پرداخته‌اند. نگارنده در این نوشته، سعی دارد به سؤال اساسی و مهمی که همان علت بهترین الگو بودن حضرت زهرا علیها السلام می‌باشد و چگونگی الگوگیری از سیره ایشان است، پردازد.

در این نوشته به معرفی حضرت زهرا علیها السلام که اسوه و الگوی نمونه، و عنوان انسانی برتر می‌باشد اشاره کرده و سپس چگونگی الگوپذیری و نمونه‌هایی از روش ایشان را مورد بررسی قرار داده است. این مقاله با روش تحلیلی - توصیفی و با استفاده از منابع نقلی به نگارش درآمده است.

فاطمه زهرا علیها السلام الگوی زن مسلمان

قرآن کریم، بخشی از آیات خود را به شناساندن و ستایش زنان موحد و ثابت قدمی اختصاص داده که در هر شرایطی، حق محور بوده و از راه مستقیم منحرف نشده است؛ زنان پاکدامنی چون مریم علیها السلام، همسر فرعون، مادر و خواهر موسی علیهم السلام و دختران شعیب، که در هر زمانی الگوی زنان مسلمانند. اگر چه نمونه‌های یاد شده زن می‌باشند، ولی می‌توانند برای مردان نیز الگو باشند.





در آموزه‌های دینی برترین الگویی که برای زنان معرفی شده است حضرت زهرا علیها السلام می‌باشد؛ زیرا در این تعالیم که بر پایه «کتاب و سنت» گرد آمده است تنها راه قرار گرفتن در صراط مستقیم و رستگاری، پیروی از کتاب و سنت در کنار هم است. به دلیل هماهنگی عترت و سنت با آموزه‌های قرآن و جایگاه تفسیری آن، می‌توان حضرت صدیقه طاهره علیها السلام را که فردی از عترت رسول الله و مفسر قرآن کریم است، الگویی مناسب بر پایه قرآن و سنت معرفی نمود.

حضرت زهرا علیها السلام چون انسانی کامل است الگویی برتر نیز می‌باشد. شناساندن انسان کامل و توصیف رفتارهای ایشان برای نشان دادن الگوی مناسب راه درستی است زیرا؛ انسان فطرتاً کمال مطلق را می‌جوید و به تعبیر امام خمینی رحمته الله علیه «انسان امکان ندارد به غیر کمال مطلق توجه کند و دل بندد... . آنکه کمال هر چه باشد، می‌طلبد، عشق به کمال مطلق دارد نه کمال ناقص، هر کمال ناقص، محدود به عدم است و فطرت از عدم تنفر دارد...»^۱

حضرت زهرا علیها السلام اسوه نمونه و انسانی کامل است؛ زیرا آن حضرت از خاندان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است که همگی جلوه تام الهی‌اند و اسماء و صفات ربوبی را تجلی نموده‌اند. تجلی انسانیت در شخصیت حقیقی انسان کامل می‌تواند در زن یا مرد رخ دهد و این عنایتی است که از طرف حق نصیب انسان می‌شود تا انسان رهرو راه انسانیت گردد و به حقیقت ذاتی خود فعلیت کمالی بخشد.

حضرت زهرا علیها السلام نیز از انسان‌های کاملی است که تمام هویت‌های کمال را متصور کرده است؛ زیرا انسان معصوم تمام رفتار، گفتار، نوشتار، قیام و قعودش برای خداست و از این جهت فرقی بین زن و مرد نیست و همانطور که سنت امامان معصوم علیهم السلام جهت است، سنت حضرت زهرا علیها السلام نیز جهت شرعی و سند فقهی خواهد بود.^۲

بینش فاطمی علیها السلام در انتزاعی‌ترین لایه‌های فلسفی و معرفتی، با مسائل عینی و واقعیت‌های ملموس در ارتباط است. ابعاد نظری شخصیت حضرت زهرا علیها السلام در امور زندگی ایشان، پیوندی ناگسستگی و معنی‌دار دارد. حضرت فاطمه علیها السلام الگوی جامع

شخصیت زن مسلمان است، وجود حضرت زهرا علیها السلام مجموعه‌ای کامل از تجسم همه خوبی‌ها و زیبایی‌هاست.

در این الگوی کامل، همه کمالات حقیقی، جمع شده و هیچ کس نمی‌تواند به مرز شناسایی کامل آن حضرت برسد، اما از آنجا که، مطالعه در ابعاد مختلف زندگی ایشان ضروری است تا انسان به ویژه زن مسلمان هر چه بیشتر، این سرچشمه لایزال کمال را بشناسد و از این شناخت برای هدایت نسل‌ها استفاده کند، وظیفه ما بررسی ابعاد وجودی شخصیت آن حضرت است تا از این راه سؤال‌ها و نیازهای زنان مسلمان را برای داشتن الگویی نمونه برآورده نمایم.

فضایل و ویژگی‌های حضرت زهرا علیها السلام

عصمت حضرت زهرا علیها السلام

مهم‌ترین دلیل انسان کامل بودن حضرت زهرا علیها السلام، عصمت اوست و آیه تطهیر بهترین دلیل عصمت آن حضرت می‌باشد. «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً؛^۲ همانا خداوند اراده کرده است تا پلیدی را از شما اهل بیت دور سازد و شما را از آلودگی پاک گرداند».

خداوند در این آیه به پاکی اهل بیت علیهم السلام گواهی می‌دهد و به نص آیه، طهارت آنان حقیقی و از هر عیب و نقصی دورند و این همان مقام والای عصمت است. شیعه و اهل سنت اتفاق نظر دارند که مصداق این آیه، پنج تنند؛ اینان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام، حضرت فاطمه علیها السلام، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام می‌باشند.^۴

روایات فراوانی وجود دارد که عصمت حضرت زهرا علیها السلام را اثبات می‌کند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ان الله یغضب لغضب فاطمه و یرضی لرضاها؛^۵ کسانی که خدا و رسول او را می‌آزارند، خداوند آنان را در دنیا و آخرت لعنت کرده و برای آنها عذابی خوارکننده فراهم می‌آورد.» و یا فرمود: «فاطمه بضعه منی فمن اغضبها اغضبنی»^۶.



از محتوای این روایات به دست می‌آید که آزار رساندن به حضرت زهرا علیها السلام باعث آزار خدا و رسولش می‌شود و مصداق این آیه خواهد بود: «ان الذین یوذون الله و رسوله لعنهم الله فی الدنیا و الآخرة و اعدلهم عذاباً مضیاً»^۷ بی‌گمان کسانی که خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله او را آزار می‌رسانند، خدا آنان را در دنیا و آخرت لعنت کرده و برایشان عذابی خفت‌آور آماده ساخته است.»

علامه امینی در توضیح این روایت، پس از بیان مدارک مختلف از کتب اهل سنت برای اثبات متبحر بودن آن می‌فرماید:

...این مطلب کاشف از آن است که حضرت فاطمه علیها السلام جز از آنچه خوشنودی پروردگار را در بردارد، خوشنود نمی‌شود و جز از آنچه که موجب خشم الهی است خشمگین نمی‌گردد، حتی اگر از امر مباحی خوشنود شود و یا به خشم آید، حتماً یک جهت شرعی در کنار آن موجود است که با در نظر گرفتن آن جهت آن امر مباح راجح شده و یا از مکروهات می‌گردد و در هیچ یک از موارد خوشنودی و خشم آن حضرت جنبه شخصی و خودخواهی یا هوی و هوس وجود ندارد که این معنای عصمت می‌باشد.^۸

به همین دلیل حضرت فاطمه علیها السلام بهترین الگوی زن مسلمان است؛ زیرا فطرت انسان جویای الگویی است که در سراسر زندگی خود کمترین خطا را دارد؛ چون ایشان تنها زنی است که مقام عصمت دارد و شایسته‌ترین اسوه است.

حضرت زهرا علیها السلام صاحب ولایت کبری

نفس قدسی حضرت زهرا علیها السلام، از عالم بالا برای هدایت آدمیان به این جهان آمده است؛ چرا که کیفیت خلقت چهارده معصوم ایجاب می‌کند که در تمام شئون ولایت نیز در ردیف یکدیگر باشند. در حدیث معراج آمده است که خداوند فرمود:

ای محمد صلی الله علیه و آله! تو، علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و امامان از فرزندان حسین را از نور خود آفریدم و ولایت شما را بر اهل آسمان‌ها و زمین



عرضه کردم. هر کس آن را پذیرفت، نزد من از مؤمنان به شمار می‌آید و هر کس آن را منکر شود، نزد من از گمراهان (ستمگران) خواهد بود.

ای محمد! اگر بنده‌ای از بندگان من آن قدر مرا بپرستد و عبادت کند که از کار افتد و از لاغری و ناتوانی بسان مشک خشکیده و فرسوده‌ای شود و بعد به هنگام ورود بر من منکر ولایت شما باشد، او را نخواهم آمرزید تا اینکه اقرار به ولایت شما نماید... ای محمد! اینان حجت‌های من بر آفریدگانم می‌باشند.^۹

انس بن مالک روایت می‌کند:

روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با ما نماز صبح به جای آورد، و پس از فراغت از نماز روی مبارکش را به سوی ما گردانید و فرمود: «ای جماعت، مسلمانان هر کس که آفتاب را از دست بدهد، پس باید به ماه تمسک جوید و در ققدان ماه دست به دامان زهره شود، و اگر زهره را نیابد به دو ستاره فرقدان پناه آورد». از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سؤال شد یا رسول الله مقصود از آفتاب و ماه و زهره و فرقدان (دو ستاره نور افشان) چیست؟ فرمود: من آفتابم، علی، ماه و فاطمه، زهره است و دو ستاره حسنین هستند. آنان با کتاب خدا دو دستاویز بشرند و همواره به هم پیوسته‌اند و هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا در کنار حوض به من ملحق شوند.^{۱۰}

از روایات یادشده روشن می‌شود که حضرت صدیقه در مراتب و مناقب گفته شده، همانند رسول اکرم صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین علیه السلام، حسنین علیهما السلام است و در مقام تمسک، اهتدا و اقتدا مانند آنان است و اگر در ولایت و عصمت نظیر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام و حسنین علیهما السلام نبود، امر پیروی و توسل مردم به او، کاری گزاف و بیهوده بود. حضرت صدیقه کبری علیها السلام، زهره‌ای است که در مدار عصمت و ولایت با شمس و قمر و فرقدین هم مرتبه است. به عبارت دیگر، چنانکه علی بن ابی طالب علیه السلام مقتدای ما، رهبر، هادی و ولی انسان‌هاست، حضرت زهرا علیها السلام نیز برای همه بشر پیشوای عینی است.^{۱۱}



مقام ليله القدری حضرت زهرا علیها السلام

از ویژگی های حضرت زهرا علیها السلام مقام ليله القدر بودن ایشان است. در روایت آمده است که عالمی نصرانی به محضر امام کاظم علیه السلام آمده و پس از گفت و گو با ایشان، درباره باطن کلمات سوره دخان از آن حضرت سؤال کرد، آن حضرت فرمود: «حم» محمد صلی الله علیه و آله است که در کتاب هود که منقوص الحروف بوده، آمده است، و اما «کتاب المبین» امیرالمومنین علی علیه السلام است و اما «لیلة» فاطمه علیها السلام و اما «یفرق کل امر حکیم» یعنی، خیر فراوانی از آن شب نشأت می گیرد.^{۱۲}

روایت دیگری در تفسیر فرات کوفی با ذکر سند از امام صادق علیه السلام نقل گردیده که حضرت در تفسیر «انا انزلناه فی لیلة القدر» فرمودند: «لیلة» فاطمه و «القدر» الله است. سپس افزودند:

فمن عرف فاطمه حق معرفتها فقد ادرك لیلة القدر و انما سمیت لان الخلق
فطموا عن معرفتها.^{۱۳}

پس هر کسی که فاطمه علیها السلام را به درستی و کما هو حقه بشناسد، ليله القدر را درک کرده است و فاطمه علیها السلام به این نام، نام گذاری شده، به خاطر آنکه مردم از شناخت او عاجزند.

حضرت امام خمینی رحمته الله علیه نزول فرشته وحی پروردگار را از بالاترین فضائل آن حضرت می شمارد و می فرماید:

مسئله آمدن جبرئیل برای کسی یک مسئله ساده نیست. خیال نشود که جبرئیل برای هر کس می آید و امکان دارد بیاید، این یک تناسب لازم است بین روح آن کسی که جبرئیل می خواهد بیاید و مقام جبرئیل که روح اعظم است... حتی درباره ائمه هم من ندیده ام که وارد شده باشد، این طور که جبرئیل بر آنها نازل شده باشد، فقط این است که برای حضرت زهرا علیها السلام است که آنکه من دیده ام که جبرئیل به طور مکرر در این هفتاد و پنج روز وارد می شده و مسائل آتیهای که بر ذریه او می گذشته است آن مسایل را می گفته است.^{۱۴}

بنابراین، انسان کامل همان قرآن و معنای کلمه قدر است و وجود مبارک حضرت زهرا علیها السلام نشانه انسان کامل، قرآن ناطق و تفسیر ناب تنزل در لیلۃ القدر است.

فاطمه علیها السلام: برترین زن جهان

حضرت زهرا علیها السلام برترین زن جهان هستی و در پیشگاه خدا می باشد که در بهشت برین بر تمامی زنان برتری دارد. این موضوع روشنی است که در روایات فراوانی از منابع شیعه و اهل سنت به آن تصریح شده است. در روایتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمده که فرموده است: «فرزند نام حسن علیه السلام و حسین علیه السلام بعد از من و پدرشان بهترین انسان روی زمینند و مادرشان فاطمه علیها السلام برترین زن روی زمین است»^{۱۵}.
در روایت دیگری، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده:

دخترم فاطمه علیها السلام سرور زنان عالمیان است. پرسیدند یا رسول الله! سرور زنان زمان خودش؟ فرمود: این امتیاز محدود، مربوط به حضرت مریم علیها السلام است، ولی دخترم فاطمه علیها السلام برترین زن عالمیان از اولین و آخرین است. او هنگامی که در محراب عبادتش قرار می گیرد، هفتاد هزار ملائکه از مقربین درگاه الهی بر او سلام و درود می فرستند و او را مخاطب قرار می دهند. با آن جمله ای که مریم علیها السلام را مخاطب قرار داده بودند و چنین می گویند: ای فاطمه علیها السلام! خداوند تو را برگزیده و پاک ساخته و تو را بر تمام زنان عالمیان برتری داده است.^{۱۶}

مقام حضرت زهرا علیها السلام نسبت به زنان نه فقط در عالم دنیاست، بلکه در عالم آخرت نیز آن حضرت برترین زنان است. چنانچه در حدیثی پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «ملکی به من نازل شد که بی سابقه بود و در ضمن سخنانش مژده داد که حسن علیه السلام و حسین علیه السلام سرور جوانان اهل بهشت و مادرشان فاطمه علیها السلام سرور زنان اهل بهشت است»^{۱۷}.

لازم به یادآوری است که برخی احادیث برترین زنان عالم را چهار نفر معرفی نموده اند و از بین حضرات مریم علیها السلام، خدیجه علیها السلام، آسیه علیها السلام و فاطمه علیها السلام، فاطمه علیها السلام را برترین آنان می دانند.^{۱۸} بنابراین، حضرت مریم علیها السلام و حضرت خدیجه علیها السلام و حضرت



آسیه علیها السلام هر چند از زنان ممتاز جهان و دارای کمالات در میان سایر زنان می‌باشند، ولی حضرت فاطمه علیها السلام دختر پیامبر صلی الله علیه و آله انسانی بی‌مانند در میان همه زنان هستی می‌باشد. وجود ایشان سرشار از ایمان، علم، تقوا، انسانیت و جمیع فضیلت‌ها و کرامت‌های انسانی در بالاترین حد امکان می‌باشد و در حقیقت کتاب تشریح خبر از کتاب تکوین داده است و تمجیدهای الهی کاشف از مجد حقیقی و تجلیل‌های او بیانگر جلالت و عظمت وجودی حضرت فاطمه علیها السلام است و به همین دلیل است که ما آن حضرت را اسوه و الگویی همه جانبه می‌دانیم.

ویژگی‌ها و فضایل فوق‌نمونه‌ای از فضایل و مناقب ایشان را در راستای اسوه بودن بیان می‌کند و کمال انسانی اوست که حضرت را نمونه ساخته است به این دلیل متعلق به عالم انسانیت است.

شیوه اسوه‌پذیری از سیره فاطمی علیها السلام

پس از بیان بعضی ویژگی‌های حضرت زهرا علیها السلام و آگاهی از فضائل و کمالات دست‌نیافتنی ایشان و معرفی آن حضرت به شکل برترین الگوی زنان، در مقام عمل کردن و محقق شدن اسوه‌پذیری از ایشان در زندگی زن مسلمان، این سؤال مطرح می‌شود که آیا مجموعه عوامل فوق، خللی به الگو بودن حضرت فاطمه علیها السلام وارد نمی‌سازد؟

فاطمه‌ای که از بسیاری موهبت‌های الهی مانند عصمت، ولایت و دسترسی به عوامل غیبی برخوردار بوده و پدرش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و مادرش در اوج شرافت و نجابت است و می‌تواند الگوی انسان‌هایی باشد که از این موهبت‌ها بی‌نصیبند و آیا آن حضرت با آن ویژگی‌ها در حالیکه چهارده قرن پیش و در شرایطی کاملاً متفاوت از زن امروز می‌زیسته، می‌تواند برای زن مسلمان نمونه باشد؟ پاسخ به سؤالات فوق در قالب مطالب زیر روشن خواهد شد.



کمالات برتر، لازمه اسوه‌های دینی

از خصوصیات اسوه‌های الهی آن است که همیشه از سایر افراد بشر در مراتب کمال انسانی، پیش‌ترند و این تقدم به گونه‌ای است که هر چه بشر در جهت‌های مختلف رشد کند، باز هم نمی‌تواند بی‌نیاز از آنان باشد و این از نعمت‌های بزرگ الهی برای بشر است. خداوند برای تکریم مقام انسان اسوه‌ها را از کسانی برگزیده است که همیشه و تا پایان حیات بشری جلودار قافله انسانی محسوب می‌گردند. بنابراین، بالا بودن مقام آنان چیزی است که لازمه اسوه بودن همیشگی آنهاست و این مطلب برهان عقلی دارد. توضیح اینکه تکامل انسان بی‌نهایت است و او برای طی این راه در هر مرحله نیازمند «اسوه» است و از این رو، باید کسانی باشند که به کمک و اراده خاص الهی، همیشه در رتبه‌ای بالا قرار گیرند تا قافله انسانی در هیچ بعدی از کمالات بشری از حرکت باز نایستد. بنابراین، در روایات آمده است که زمین هیچ‌گاه از «حجت» خالی نخواهد بود و اگر فرض شود بیش از دو نفر نباشد، اولی امام است و دیگری مأموم.^{۱۹} از این رو، اگر چه ما نمی‌توانیم مانند آنها عمل کنیم، ولی باید در حد توان و استعداد خود در مسیر آنان حرکت کنیم. بنابراین، اسوه برای هدایت و مقتدا به خاطر اطاعت از او است و اینکه می‌گوییم حضرت فاطمه علیها السلام الگویی همه زنان است، بدان معنا نیست که باید حضرت فاطمه علیها السلام شد تا گفته شود ما کجا و او کجا؟ بلکه مقصود فاطمه‌وار بودن و فاطمه‌گونه زیستن است.

در سخنی از حضرت صادق علیه السلام خطاب به شیعیان آمده است:

به خدا سوگند من شما را و روح‌هایتان و بوی‌تان را دوست می‌دارم. ما را در این جهت با پرهیزکاری و تلاش خود یاری کنید. هرگز به ولایت ما نمی‌رسید جز با کوشش و تقوا و کسی که دیگری را به عنوان امام و اسوه برگزیده است، باید عملش مطابق با عمل او باشد.^{۲۰}



توجه به عامل اختیار در اسوه‌پذیری

نکته دیگری اینکه اگرچه حضرت زهرا علیها السلام از مواهب الهی، عوامل غیبی، تربیتی و... برخوردار بوده‌اند، اصلی‌ترین مایه قوام و شکل‌گیری شخصیت آن حضرت از اراده و اختیار ایشان بوده است پس ما نباید دچار ناامیدی شویم.

همچنین گرچه معصومی مانند حضرت زهرا علیها السلام از ویژگی‌هایی که از موهبت‌های الهی ناشی شده، برخوردار است، ولی در بسیاری از عرصه‌های انسانی با همگان مشترکند، عرصه‌هایی مثل غرایز، شهوات، فطرت، عقل، بندگی، عبادت، روابط اجتماعی و... .

این امور وجه مشترکی است که در همه انسان‌ها بدون استثنا وجود دارد، ولی نوع آن با توجه به رسوم اقوام مختلف و محیط‌های گوناگون تفاوت دارد. لیکن آنچه مورد بحث است ذاتی بودن چنین رفتارهایی است که مهار کردن و تربیت صحیح می‌تواند انسان را در مسیر کمال سوق دهد و سبب رشد انسان‌ها اعم از زن و مرد شود.

۳. تفکیک میان قالب و محتوای سیره‌ها

اسوه‌پذیری از حضرت زهرا علیها السلام به دو صورت امکان‌پذیر است: مستقیم و غیرمستقیم. الگوپذیری مستقیم آن است که گفتار و کردار آن بزرگوار را برنامه و راه و رسم زندگی خویش قرار دهیم. در بسیاری از موارد، گفتاری خاص یا رفتاری مشخص از ایشان با همان شکل و قالب رفتاری می‌تواند اسوه و الگوی ما قرار گیرد، مانند تسیحات آن حضرت که از با فضیلت‌ترین تعقیبات نماز است.

الگوپذیری غیرمستقیم آن است که روح و حقیقت گفتار و کردار آن اسوه‌های الهی را درک کنیم و با تحلیل و استنباط سیره عملی و علمی آن بزرگواران، وظیفه خویش را در همه ابعاد زندگی دریابیم و با کمک شناخت درست تاریخ و زمان و توان تفکیک میان «محتوا» و «قالب» شخصیت و سلوک آن بزرگواران اسوه، می‌توان شاخص‌های آنان را در قالب ادبیات و فرهنگی قابل فهم ارایه داد. به طور روشن و

ساده، همه می‌خوانیم که حضرت صدیقه کبری علیها السلام در خانه با آسیابی سنگی، آرد تهیه می‌کرد. «محتوای» اصلی قابل تأسی این عمل، چیزی جز ارزش خانه‌داری، کمک به همسر و تلاش برای تولید، نخواهد بود و «قالب» این است که حتی موجب جراحت دست آن بانوی بزرگ می‌شود، دستاس خصوصی ندارد. در همان دوره نیز، این فرض که به شیوه‌ای دیگر از گندم، آرد تهیه شود، چیزی از آن محتوا نمی‌کاست. آنچه زمان را عوض می‌کند قالب‌هایی است که ارزش محتوا ندارد و لزوماً قابل تأسی نیست.

نمونه دیگری از این اسوه‌پذیری سخترانی حضرت زهرا علیها السلام در مسجد مدینه است. به روشنی پیداست محتوای قابل تأسی آن، نکاتی از قبیل ضرورت دفاع از حق، جلوگیری از ستم، شناساندن حقایق و معارف، رسوا ساختن عاملان گمراهی و در عین حال حفظ کرامت و عفاف و وقار زن مسلمان و نکاتی از این قبیل است، این محتوا می‌تواند در محیطی غیر از مسجد باشد. در دانشگاه یا شرکت در اجتماعات مردمی... باشد. بیان حضرت صدیقه کبری علیها السلام در مسجد مدینه و سخترانی در پس پرده و با حضور آن بزرگوار به همراه حضرت علی علیه السلام و فرزندان، در مقابل یکایک خانه‌های مهاجران و انصار و تأکید بر حقانیت حضرت علی علیه السلام و یاری برای احقاق حقوق از دست رفته ایشان نیز از همین قبیل می‌باشد.

۴. حضرت زهرا علیها السلام اسوه جاوید در هر زمان و مکان

حضرت صدیقه طاهره علیها السلام با اندیشه‌ها، رفتار، انگیزه‌ها و زندگانش، ویژگی‌های اصولی «زن اسوه جاوید» را به ما ارایه داده است. آن حضرت، به دلیل برخورداری از مواهب الهی و دارا بودن عصمت و داشتن نفس قدسی و منصب ولایت کبرایش، دارای وجود و شخصیتی فراتر از زمان و مکان است و اوصاف ثابت انسانی او، شاخصه‌های اصولی و ارزشی جاری و جریان‌پذیر در هر زمان و مکان است و ما می‌توانیم سنت حضرت را به مدد این شاخصه‌های اصولی و ارزش‌ها دریافت و سرمشق زندگی قرار دهیم.



این اصول ارزش‌ها و مکارم انسانی در خود معصوم دارای ثبات و جاودانگی است و با تغییر زمان‌ها و اقوال فرهنگ‌ها و تمدن‌ها عوض نمی‌گردند، بلکه به موازات رشد فرهنگ‌ها، تعالی و عمق بیشتری می‌یابد و بشر احساس نیاز بیشتری به آن می‌کند. باطن و حقیقت سیره عملی و علمی معصوم واحد است، تفاوت در اقتضائات زمانه باعث می‌شود که صورت‌ها و چهره‌های این ارزش‌ها متفاوت باشد. برای مثال، قناعت و ساده‌زیستی از فضیلت‌های انسانی است و بسیار روشن است که مصرف‌گرایی و تجمل‌پرستی آنچنان ابعاد ذهن و فکر بشر را به خود مشغول می‌کند که فرصت پرداختن و تفکر در حالات نفسانی را از او گرفته و او را از تربیت و تکامل معنوی خود سخت باز می‌دارد، ولی پیاده کردن این امر انسانی در دوران نخستین اسلام با پوشیدن جامه کهنه و پینه بسته، کاری بسیار عادی و معمولی جلوه می‌نمود؛ زیرا اغلب مردم در همین سطح زندگی می‌کردند، ولی در این زمان چنین عملی دور از زندگی انسان‌هاست، پس با شیوه‌ای متناسب با زمان حاضر باید قناعت را سرلوحه زندگی خود قرار دهیم.

روشن است روح کلی حاکم بر زندگانی حضرت زهرا علیها السلام ثابت است که با گذشت زمان کهنه نمی‌شود، هر چند در هر زمان مصادیق خاصی را می‌طلبد. بنابراین زندگی، سلوک و شخصیت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام همواره برای زنان ما چه در حال و چه در آینده، اسوه و الگو خواهد بود.

جلوه‌هایی از سیره فاطمی علیها السلام

بررسی و مطالعه زندگی حضرت زهرا علیها السلام نشان می‌دهد که آن حضرت به عنوان فرد معصوم در تمام ابعاد زندگی خود اسوه و الگوی انسان‌هاست. در این بخش به بیان جلوه‌هایی از سیره آن حضرت پرداخته می‌شود.



۱. فاطمه زهرا علیها السلام الگوی عبادت

صحیفه تاریخ، تا به حال شاهد عبادت‌هایی بس شگفت از اولیای الهی بوده است. در میان تمام عبادت‌ها، عبادت حضرت زهرا علیها السلام به صفحات تاریخ جلوه ویژه‌ای بخشیده، به گونه‌ای که مایه فخر تاریخ گردیده است. حسن بصری در وصف عبادت آن حضرت می‌گوید: «در تمام دنیا، عابدتر از فاطمه علیها السلام یافت نمی‌شود؛ او به حدی برای عبادت بر پا می‌ایستاد که پاهایش ورم می‌کرد»^{۲۱}.

عبادت حضرت فاطمه علیها السلام از نظر کمیت گسترده است و در لحظه لحظه زندگی ایشان ظهور و بروز دارد؛ رفتار، گفتار، نگاه، تلاش، نفس کشیدن و تمام لحظه‌های شب و روزش عبادت بود. شب ازدواج آن عابده بی‌همتا، چنین گزارش شده است که حضرت علی علیه السلام در آن شب همسرش را نگران و گریان دید، علت را پرسید. حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: «حال خود را در پایان عمر و عالم قبر به یاد آوردم؛ چرا که انتقال از خانه پدرم به منزل خودم، مرا به یاد انتقالم به قبر انداخت. تو را به خدا قسم بیاید در این ساعات آغازین زندگی به نماز برخیزیم و امشب را به عبادت خدا پردازیم»^{۲۲}.

حضرت زهرا علیها السلام این اسوه کامل، در خاطره‌انگیزترین لحظه‌های زندگی نیز از هدف خلقت غافل نمی‌شود و از همسرش می‌خواهد که از آن شب نیز برای تقرب به خداوند استفاده کنند. از شب اول، شخصیت حضرت زهرا علیها السلام چنان برای حضرت علی علیه السلام آشکار می‌شود که وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فردای آن شب از حضرت علی علیه السلام می‌پرسد همسرت را چگونه یافتی؟ بی‌درنگ می‌گوید: «نعم العون علی طاعه الله»^{۲۳} بهترین یار و یاور برای اطاعت خداوند».

در بیان کیفیت عبادت حضرت فاطمه علیها السلام نیز باید گفت تنها خداوند حالت روحی او را هنگام عبادت می‌داند. مرتبه عبادت حضرت فاطمه علیها السلام قابل درک نیست. تمام کوشش ما در این عرصه، این است که به آینه زلال روایات بنگریم تا شاید گوشه‌ای از عظمت بی‌مثال عبادات او را نظاره‌گر شویم. عبادت حضرت فاطمه علیها السلام چنان



بی‌همتاست که خداوند بر ملائکه خویش مباحثات می‌کند. آن‌گاه که حضرت فاطمه علیها السلام در پیشگاه پروردگار به نماز می‌ایستد، عبادتش برای ملائکه آسمان مانند نوری می‌درخشد و برای اهل زمین مثل ستارگان و خداوند خطاب به فرشتگانش می‌فرماید:

ملائکه من! بربندهام فاطمه، سرور کنیزانم، نظر کنید؛ بر درگاه من ایستاده، در حالیکه بند بند وجودش از خوف من مرتعش و لرزان است و با تمام قلبش به عبادت من روی نهاده است. شما را گواه می‌گیرم که شیعیانش را از آتش، نجات و ایمنی بخشیدم...^{۲۴}

۲. حضرت زهرا علیها السلام الگوی حیا و حجاب

دستور و سفارش خداوند به همه زنان و دختران باایمان، حجاب کامل است:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَازِوَاجِكِ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يَعْرِفْنَ فَلَ يُؤْذِينَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا.^{۲۵}

ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مومنان بگو، جلباب‌های خود را بر خویش فرو افکنند. این کار برای این که شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است و خداوند همواره آمرزنده و رحیم است.

دستور به حجاب و عفاف، ضرورتی اجتماعی برای حفظ پاکی جامعه است و نیز مهم‌ترین راهکار برای حفظ عفت، کرامت و شخصیت انسانی زنان در عرصه‌های گوناگون است.

کامل‌ترین الگوی حیا، عفت و حجاب پاره وجود رسول خدا صلی الله علیه و آله است، سراسر زندگی آن حضرت جلوه‌هایی زیبا در عرصه حجاب و عفاف است که حقیقت هر یک از این رفتارها و گفتارها می‌بایست سرمشق ما در زندگی قرار گیرد. از جمله این رفتارها عبارتند از:

الف) پرهیز از همه نامحرمان

حضرت زهرا علیها السلام حجاب، این فضیلت مورد خواست و رضایت خداوند را چنان سرلوحه رفتار خویش قرار داده بود که از همه نامحرمان حتی از مردان نابینا نیز خود را می پوشاند. مردی نابینا پس از اجازه گرفتن وارد منزل امام علی علیه السلام شد. پیامبر صلی الله علیه و آله دید که حضرت زهرا علیها السلام برخاست و فاصله گرفت و خود را پوشاند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «دخترم! این مرد نابیناست». حضرت فاطمه علیها السلام در پاسخ فرمود: «اگر او مرا نمی بیند، من او را می بینم؛ وانگهی اگر چه او نمی بیند، ولی بو را استشمام می کند». ^{۲۶} در این هنگام رسول خدا صلی الله علیه و آله به نشانه تصدیق بیان فاطمه علیها السلام فرمود: «شهادت می دهم که تو پاره تن منی».

ب) بهترین روش برای بانوان

در روایتی نقل شده که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله از اصحاب خود سوال کرد: «ای شیء خیر للنساء؛ چه روش و سیره ای برای زندگانی بانوان بهتر است؟» کسی نتوانست به سؤال پیامبر صلی الله علیه و آله پاسخ دهد. تا اینکه سلمان این سؤال را از حضرت فاطمه علیها السلام پرسید. آن حضرت فرمود: «خیر للنساء لا یرین الرجال و لا یراهن الرجال؛ ^{۲۷} برای زنان بهتر است که مردان نامحرم را نبینند و مردان نامحرم نیز ایشان را نبینند».

این روایت نمایانگر فرهنگ اخلاقی حضرت فاطمه علیها السلام و سیره عملی ایشان است و نشان می دهد که استفاده رسول خدا صلی الله علیه و آله از کلمه خیر، بیانگر این حقیقت است که سیره مذکور برتر است. به دیگر سخن، حضرت فاطمه علیها السلام در مقام بیان، امری ایده آل و ترجیحی می باشند، امری که رعایت آن رحجان و برتری دارد و عمل به آن بهتر و مطلوب تر است.

۳. حضرت زهرا علیها السلام الگوی وارستگی

راز ماندگار سیره اسوه های الهی، ایمان قلبی به راهی است که مردم را بدان فرا می خواندند و اینان خود بهترین سرمشق در عرصه عمل به آنند. ایشان اگر مردم را به



دوری از هواهای نفسانی و پیراستگی از مظاهر دنیا فرا می خواندند، خود بهترین الگوی وارستگی از دنیا و پاکی از آلودگی ها و هوس ها بوده اند.

حضرت فاطمه علیها السلام در طول زندگی خویش دعوت کننده به سوی رهایی از دنیا و دل سپاری به خدا بود، ولی نه دعوت با زبان که دعوت با عمل، چرا که هدف حضرت فاطمه علیها السلام، همان معارف والای قرآنی است که همواره ما را به دوری از دنیا و دل بستن به بهشت خدا فرا می خواند. حضرت فاطمه علیها السلام همیشه راضی بود و خداوند به بندگان آخرت را می خواهد نه دنیای پست و فانی را؛ «تریدون عَرَضَ الدنیا و الله یرید الأخره»^{۲۸} شما متاع دنیا را می پسندید در حالی که خداوند برای شما آخرت را می پسندد». از این رو، فاطمه علیها السلام ساده زیستی را انتخاب می کند. ساده زیستی فاطمه علیها السلام نه از روی فقر و ناداری که برخاسته از اوج معرفت و غنای آن حضرت بود. بهترین شاهد مدعا، بخشی از زندگی آن حضرت است که فدک را در اختیار ایشان قرار داد. بعد از آن که پیامبر صلی الله علیه و آله به فرمان خداوند فدک را به دختر خود بخشید، تمام درآمد آن در اختیار حضرت فاطمه علیها السلام قرار گرفت و تمام درآمد آن را در راه رضایت و خشنودی خداوند خرج شد. در روایت آمده است:

روزی سلمان، حضرت فاطمه علیها السلام را با چادری ساده و پر وصله از لیف خرما دید که به دیدار رسول خدا صلی الله علیه و آله می رفت. سلمان، تعجب کرد و با ناله و اندوه گفت: «غم و اندوه بر ما باد! دختران پادشاهان ایران و روم بر تخت های طلا می نشینند و پارچه های زربفت و حریر به تن می کنند و این دختری محمد صلی الله علیه و آله است که چادری ساده با دوازده وصله به سر دارد».

زمانی که حضرت فاطمه علیها السلام به خدمت پدر رسید، شگفتی سلمان را مطرح کرد و فرمود: «ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! سلمان از سادگی لباس من تعجب کرده است. سوگند به خدایی که تو را مبعوث فرمود، مدت پنج سال است که فرش خانه ما پوست گوسفندی است که روزها شترمان بر روی آن علف می خورد و



شبها روی آن می خوابیم و بالشها پوستی است پر شده از لیف خرما». آن گاه رسول خدا ﷺ به سلمان فرمود: «همانا دخترم در زمره سبقت گیرندگان به سوی خداست».^{۲۹}

لازم به یادآوری است که آنچه در اسوه‌پذیری از سیره فاطمی در ورای شکل و قالب رفتار، مهم و ضروری است، درک پیام و روح رفتارها و الگوپذیری از سیره ایشان می‌باشد. پیام و روح سیره فاطمه علیها السلام، وارستگی از دنیا و ساده زیستی است؛ روحی که در هر زمان و مکان می‌تواند در کالبد زندگی انسانی دمیده شود.

۴. حضرت زهرا علیها السلام الگوی همسررداری

شوهررداری فن و هنری است که بیش از هنرهای دیگر نیازمند ظرافت، دقت، درایت و دانایی است. بانوان برای موفقیت در این عرصه خطیر، بیش از هر چیزی به یافتن اسوهای جامع نیاز دارند تا با اقتدای همه جانبه به سیره عملی او به بهترین شکل عمل کنند. اسوهای یگانه‌تر و جامع‌تر از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در این عرصه نیست. وقتی فاطمه پا به خانه شوهر نهاد، روحیات و موقعیات ویژه همسرش را با کمال دانایی دریافت و به زودی توانست خود را با شرایط خاص مادی و معنوی همسرش سازگار کند. در عرصه شوهررداری رفتار این بانوی جهان در کمال صفا، مهربانی و هم‌دردی بوده است. نگاه مهرانگیز او کافی بود تا تمام خستگی‌ها و گرفتگی‌ها از روح و جسم همسرش بیرون آید. حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

سوگند به خدا، من هرگز زهرا علیها السلام را به خشم نیاوردم و او را به کاری مجبور نساختم تا اینکه مرا در فراقش گرفتار ساخت و متقابلاً او نیز مرا خشمگین نساخت و هیچ وقت نافرمانی نکرد و هرگاه من با او دیدار می‌کردم، غم‌ها و غصه‌هایم از دلم برطرف می‌شد.^{۳۰}

رفتار حضرت فاطمه علیها السلام به گونه‌ای بود که هرگز کاری برخلاف رضایت امیرالمومنین علیه السلام انجام نمی‌داد، اما باز هنگام فراق، در ضمن وصایای خود خواست قلب



مبارک حضرت علی علیه السلام را بار دیگر در مورد خود راضی نماید از این رو، فرمود:

ای پسر عموی پیامبر! من هرگز به تو دروغ نگفتم، خیانت نکردم و به مخالفت تو برنخاستم. علی علیه السلام چون این سخنان را شنید، فرمود: پناه به خدا، تو نسبت به امور و احکام داناتری. نیکوکاری، تقوا، تقرب و خشیت از خدا بیش تر است. این را بدان که جدایی و مفارقت تو فوق العاده برای من سنگین است، ولی این کار چاره پذیر نیست.^{۳۱}

به همین دلیل بوده که امیرالمؤمنین علیه السلام وقتی پیکر پاک حضرت فاطمه علیه السلام را بر خاک سپرد، دست دعا به سوی آسمان برداشت و در حق حضرت زهرا علیه السلام چنین دعا کرد:
خدایا! من از دختر پیامبرت راضی هستم، بار الها! فاطمه علیه السلام نگران و مضطرب بود، تو او را آرامش بخش، خداوندا! زهرا علیه السلام از دوستان و فرزندان مفارقت کرد، تو او را وصل کن. پروردگارا به فاطمه علیه السلام ظلم کردند تو خود حاکم باش.^{۳۲}

در روایت آمده است:

روزی امیرالمؤمنین، علی علیه السلام از حضرت فاطمه علیه السلام طعام خواست؛ آن حضرت فرمود: «در نزد من چیزی نیست، جز آنکه دو روز پیش آن را به تو خورادم و من آن را برای خود و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام نگه داشته بودم». علی فرمود: «چرا در طول دو روز مرا مطلع نکرده‌ای، تا برایتان چیزی تهیه کنم؟» حضرت فاطمه علیه السلام فرمود: «من از خدایم شرم کردم تو را به کاری بگمارم که قدرت و تهیه خرید آن را نداری».^{۳۳}

۵. حضرت زهرا علیه السلام الگوی خانه‌داری

کانون خانه و خانواده مقدس‌ترین مکان برای رشد انسان‌ها و مکتب تربیتی برای اداره امور اجتماعی به حساب می‌آید. یکی از الگوهای شایسته در امر خانه‌داری و اداره خانواده، حضرت زهرا علیه السلام، الگوی کامل است. آن حضرت اگرچه در سنین جوانی به



خانه حضرت علی علیه السلام انتقال یافت و با مشکلات فراوان اقتصادی مواجه شد، ولی با مدیریت صحیح، اداره خانواده را به نحو شایسته‌ای بر عهده گرفتند.

یکی از ویژگی‌های خانواده موفق، مشخص بودن شئون و وظایف هر یک از افراد خانواده است. در روایتی آمده است:

حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام برای تقسیم کار حضور پیامبر خدا رسیده و درخواست نمودند که آن حضرت تکلیف هر یک را در امور خانه مشخص فرماید. چنانچه امام باقر علیه السلام می‌فرماید، رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز چنین تقسیم کار کرد: به امیرالمؤمنین دستور داد کارهای خارج خانه را انجام دهند و به دخترش حضرت فاطمه علیها السلام نیز فرمود که کارهای داخل خانه را اداره نماید و آن حضرت از این تقسیم کار خوشحال شد.^{۳۴}

امام صادق علیه السلام نیز در این زمینه می‌فرماید: «جدم امیرالمؤمنین در انجام کارهای خانه هیزم جمع می‌کرد، آب می‌کشید، می‌آورد، خانه را جارو می‌فرمود و مادرم زهرا علیها السلام نیز جوها را آرد می‌کرد و سپس خمیر می‌نمود و آن‌گاه نان می‌پخت».^{۳۵}

این دو حدیث نشان می‌دهد که حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام با انضباط خاص، وظایف خانه را انجام می‌دادند و کار آنان مشخص بود.

یکی از ویژگی‌های زن شایسته کم‌خرج بودن اوست، چنانچه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «از برکات اخلاقی و فکری زن خوب این است که هزینه و مخارجش کم باشد»^{۳۶} و در اداره خانه صرفه‌جویی نموده و یاور و همکار شوهرش باشد»^{۳۷}.

تمام این ویژگی‌ها در وجود حضرت زهرا علیها السلام جمع بود و آن حضرت با مدیریت، بر مشکلات فائق می‌آمد. حضرت علی علیه السلام درباره ویژگی آن حضرت می‌فرماید: «من در حالی با حضرت زهرا علیها السلام ازدواج کردم، که زیراندازی در خانه نداشتم، در حالیکه در همان موقع، بخشش من به نیازمندان به قدری زیاد بود که اگر به بنی‌هاشم تقسیم می‌شد، همه آنان را بی‌نیاز می‌کرد».^{۳۸}



در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام که از جابر نقل شده، آمده است:

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به خانه دخترش فاطمه علیها السلام وارد شد، زهرا علیها السلام را در حالتی دید که در نتیجه چشمان مبارکش پر از اشک گردید؛ زیرا لباس آن حضرت بسیار نامناسب بود. حضرت زهرا علیها السلام با آن شکل مشغول آرد کردن جو، تهیه نان و شیردادن به فرزندش بود. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ای دختر عزیزم! این گونه تلخی‌ها را در دنیا برای رسیدن به پاداش و شیرینی‌های اخروی پذیرا باش و صبر و بردباری را از دست نده». آن بانوی گرامی فرمودند: «ای رسول خدا! سپاس خدایی را که نعمت‌هایش را ارزانی داشته و شکر و سپاس از عطایای بی‌پایان الهی». در این حال این آیه نازل شد: «ای پیامبر! ما آن قدر پاداش خواهیم داد که راضی شوی».^{۳۹}

۶. فاطمه علیها السلام و پرورش فرزندان

از عوامل مؤثر در تکوین شخصیت انسان، تربیت است. فرزندان حضرت زهرا علیها السلام و حضرت علی علیه السلام گرچه فرزندان معصوم بودند، ولی هر انسانی به هر اندازه در مراتب والای کمالات انسانی قرار گیرد، باز هم اخلاق و رفتار مری در وی مؤثر خواهد بود. حضرت زهرا علیها السلام با به کار بستن ویژگی‌های تربیتی، فرزندان تربیت کرد که هر یک منشأ آثار خیر و پیشرفت دین و احکام الهی شدند.

از بهترین شیوه‌های تربیت، شیوه عملی الگوهاست. دختر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از عبودیت و بندگی الهی، آن هم در برابر دیدگان معصوم فرزندان، توانست آنان را به کمال مطلوب برساند... امام حسن مجتبی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «مادرم فاطمه را در شب جمعه در محراب عبادت مشغول نماز دیدم؛ او پیوسته به رکوع و سجود بود که شب به پایان رسید».^{۴۰}

آن حضرت علیها السلام در پرورش فرزندان خود به گونه‌ای رفتار می‌کرد که همه را از عدالت پروری خویش خشنود می‌ساخت و با عواطف مادری، آنان را به این صفت انسانی و اسلامی تشویق می‌کرد. روزی امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام در حضور پیامبر

خدا ﷺ کشتی گرفته بودند. در این میان فاطمه شنید که پدر بزرگوارش، امام حسن علیه السلام را به پیروزی بر امام حسین علیه السلام ترغیب می کند. حضرت زهرا علیها السلام عرض کرد: «پدرجان! فرزند بزرگ را علیه فرزند کوچک تحریک می کنی؟ رسول اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «تو اطلاع نداری که برادرم جبرئیل، حسینم را بر حسنم تحریک می نماید»^{۴۱}.

حضرت فاطمه علیها السلام، نسبت به فرزندان خود بسیار مهربان بود. چنانکه از حضرت علی علیه السلام نقل شده است که فرمود: «روزی وارد اتاق فاطمه علیها السلام شدم، ناگاه مشاهده کردم که وی بر پشت دراز کشیده و حسین علیه السلام نیز بر سینه او خواب است»^{۴۲}.

آن حضرت چنان به فرزندان خود علاقه داشت که حتی به حضرت علی علیه السلام سفارش فرزندان را می نمود. در متن وصیت نامه ای که از آن حضرت نقل شده است، حضرت فاطمه علیها السلام به حضرت علی علیه السلام وصیت کرد که بعد از من با دختر خواهرم اُمّامه ازدواج کن، زیرا او با فرزندانم مهربان است.^{۴۳}

نتیجه گیری

با توجه به آنچه گذشت، سیره فکری و عملی حضرت زهرا علیها السلام در مدت کوتاه اما پربرکت زندگی به طور کامل برگرفته از متن مکتب وحی بوده است. آن حضرت مدتی با پدر بزرگوارش و چند سالی نیز با امیرالمومنین علی علیه السلام زندگی کرده بود، آینه تمام نمای ارزش ها، فضیلت ها، حماسه ها و اندیشه ها بود. از این رو، نه فقط الگو و اسوه زنان، بلکه اسوه همه مردان و زنان جهان در همه زمان ها به شمار می آید و تمام مردان و زنان مسلمان و غیرمسلمان می توانند ابعاد ارزشی، اخلاقی و حماسی آن حضرت را با توجه به شرایط و مقتضیات روز، در زندگی خود پیاده کنند و در مسیر فضیلت، علم و کمال پیش روند.





پی نوشت

۱. روح الله خمینی، ره عشق (نامه عرفانی حضرت امام خمینی علیه السلام)، ص ۲۴.
۲. حسن حسن زاده آملی، انسان و قرآن، ص ۲۱۲.
۳. احزاب: ۳۳
۴. عبدالحسین امینی، الغدير، صص ۲۳۱ - ۲۳۶.
۵. احزاب: ۵۷
۶. محمد بن قرطبی، تفسیر القرطبی، ج ۲۰، ص ۲۲۷؛ محمد بن علی صدوق، امالی صدوق، صص ۱۶۵ و ۵۷۵.
۷. عبدالحسین امینی، فاطمة الزهراء، ص ۴۹.
۸. الأمالی صدوق، ص ۴۶۷.
۹. محمد بن حسن طوسی، الغيبة، ص ۱۴۸؛ حسن بن سلیمان الحلی، المحتضر، ص ۱۶۳؛ محمد بن ابراهیم النعمانی، الغيبة، ص ۹۵.
۱۰. محمد بن الحسن الطوسی، امالی طوسی، ص ۵۱۷؛ محمد بن علی بن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۲۴۲؛ المحتضر، ص ۲۴۴؛ عبدالله بن احمد حاکم حسکائی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۷۷؛ علی بن یوسف حلّی، العدد القویة، ص ۸۵.
۱۱. فاطمة الزهراء، صص ۴۹ و ۵۰.
۱۲. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۷۹.
۱۳. فرات بن ابراهیم کوفی، تفسیر فرات الکوفی، ص ۵۸۱.
۱۴. روح الله خمینی، صحیفه نور (مجموعه آثار امام خمینی)، ج ۲۰، ص ۵.
۱۵. محمد بن علی صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۶۷.
۱۶. محمد بن فتال نيسابوری، روضه الواعظین، ص ۱۴۹.
۱۷. احمد بن عبدالله الطبرانی، ذخائر العقبی، ص ۱۲۹.
۱۸. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۱.
۱۹. صدوق، محمد بن علی، علل الشرايع، ج ۱، ص ۱۹۷؛ کافی، ج ۱، صص ۱۷۸ - ۱۸۰؛ علی بن بابویه القمی، الاملمه و البقره، صص ۲۸ و ۲۹.
۲۰. امامی طوسی، ص ۷۲۲؛ بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۱۴۶.
۲۱. مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۱۹؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۷۶.
۲۲. شهاب الدین مرعشی، شرح احقاق الحق، ج ۴، ص ۴۸۱.

۲۳. مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۳۱.
۲۴. بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۳۸.
۲۵. احزاب: ۵۹.
۲۶. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۹۱.
۲۷. همان، ص ۵۴.
۲۸. انفال: ۶۷.
۲۹. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۸۸.
۳۰. همان، ص ۱۳۴.
۳۱. جلاء العیون شبر، ج ۱، صص ۲۱۷-۲۱۸.
۳۲. میرزا حسن نوری، مستدرک الاوسائل، ج ۲، ص ۳۴۱.
۳۳. نعمان مغربی، شرح الاخبار، ج ۲، ص ۴۰۱؛ امالی شیخ طوسی، ص ۶۱۶؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۳۵۰.
۳۴. ابی العباس عبدالله بن جعفر الحمیری قمی، قرب الاسناد، ص ۵۲؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۸۱.
۳۵. مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۳۷۲.
۳۶. کافی، ج ۵، ص ۵۶۷.
۳۷. امالی شیخ طوسی، ص ۶۱۴؛ بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۶۰.
۳۸. سید بن طاووس، کشف المحجۃ لثمرۃ المهجۃ، ص ۱۲۴؛ بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۴۳.
۳۹. بحار الانوار، ج ۴۳، صص ۸۵ و ۸۶.
۴۰. محمد بن علی صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۸۲؛ محمد بن جریر طبری، دلائل الامامیه، ص ۱۵۲.
۴۱. الامالی صدوق، ص ۵۳۰؛ سید هاشم بحرانی، مدینۃ المعجز، ج ۳، ص ۲۷۶.
۴۲. قطب الدین راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۵۳۱؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۸.
۴۳. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۹۲.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، النجف، المكتبة الحیدریه، ۱۳۷۶ ق.
۲. امینی، عبدالحسین، الغدير، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۳۹۷ ق.
۳. امینی، عبدالحسین، فاطمة الزهراء، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۴ ش.
۴. بحرانی، سید هاشم، مدینه المعجز، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۴.
۵. تیمیمی المغربي، ابی حنیفه النعمان بن محمد (نعمان مغربی)، شرح الاخبار، قم، جامعه المدرسین، بی تا.
۶. حاکم حسکانی، عبیدالله بن احمد، شواهد التنزیل، تهران، مجمع احیاء الثقافه، ۱۴۱۱.
۷. حسن زاده آملی، حسن، انسان و قرآن، انتشارات دارالزهراء، ۱۳۶۹.
۸. الحلی، حسن بن سلیمان، المحتضر، بی جا، المكتبة الحیدریه، ۱۴۲۴.
۹. حلّی، علی بن یوسف، العدد القویه، قم، مکتبه آیه الله المرعشی العامه، ۱۴۰۸ ق.
۱۰. الحمیری قمی، ابی العباس عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۳.
۱۱. خمینی، روح الله، ره عشق (نامه عرفانی حضرت امام خمینی علیه السلام)، تهران، سازمان چاپ و انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.
۱۲. خمینی، روح الله، صحیفه نور (مجموعه آثار امام خمینی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۵.
۱۳. راوندی، قطب الدین، الخرائج و الجرائح، قم، مؤسسه الامام المهدي، ۱۴۰۹.
۱۴. سید بن طاووس، کشف المحجّة لثمره المهجّة، نجف، المطبعة الحیدریه، ۱۳۷۰.
۱۵. صدوق، محمد بن علی، الامالی، قم، مرکز الطباعة و النشر فی مؤسسه البعثة، ۱۴۱۷ ق.
۱۶. _____، علل الشرائع، نجف، المكتبة الحیدریه و مطبعتها، ۱۱۳۸۵.
۱۷. _____، عیون اخبار الرضا، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴.
۱۸. الطبرانی، احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی، قاهره، مکتبه القدسی، ۱۳۵۶.
۱۹. طبری امامی، محمد بن جریر، دلائل الامامه، قم، مرکز الطباعة و النشر فی مؤسسه البعثة، ۱۴۱۳.
۲۰. الطوسی، محمد بن الحسن، الامالی، قم، دارالثقافه للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ ق.
۲۱. _____، الغیبه، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ ق.
۲۲. قرطبی، محمد بن احمد، تفسیر القرطبی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ ش.
۲۴. کوفی، فرات ابن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تهران، مؤسسه الطبع و النشر التابعه لوزارة الثقافه و الارشاد الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۲۵. المجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار الجامعه لعلوم الائمة الاطهار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴.
۲۶. مرعشی، شهاب الدین، شرح احقاق الحق، مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی، قم، بی تا.
۲۷. النعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، بی جا، انوار الهدی، ۱۴۲۲.
۲۸. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸.
۲۹. نیسابوری، محمد بن الفتال، روضة الواعظین، قم، منشورات الشریف الرضی، بی تا.